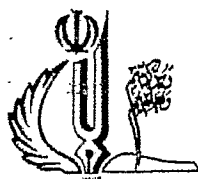


تعمیر
کتاب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۲۰۵۸



دانشگاه

دانشکده علوم انسانی و اجتماعی

گروه تاریخ

رساله

برای دریافت درجه دکتری در رشته تاریخ ایران دوره اسلامی

عنوان

بررسی تاریخ نگاری عصر قاجاریه از آغاز تا پایان

دوره ناصری

استاد راهنما

دکتر یحیی کلانتری

استاد مشاور

دکتر علیرضا خزائلی

پژوهشگر

عباس قدیمی قیداری

موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی
تهران

۱۳۸۷ / ۱۲ / ۸

تیرماه ۱۳۸۶

۷۰۰۵۱

" ما بلفظ دانش نخواهیم جز روشنی و پیدایی وجود چیزها
و نه بدانسته جز چیز روشن و پیدا ، و نه بداننده جز علت
و سبب روشنی و پیدایی چیزها. و به بی دانشی نخواهیم
مگر پنهانی و پوشیدگی وجود چیزها، و نه بنادانسته مگر
پوشیده و پنهان."

"ما بجهان عقل جهان آگهی و بیداری و روشنی و
صفای وجود خواهیم... جهان دانش و خرد جهان
بیداریست که وجود هر حقیقت در خود بخرد روشن توان
یافت."

افضل الدین کاشانی

(به نقل از اندیشه های میرزا آقاخان کرمانی تألیف فریدون آدمیت)

نام خانوادگی: قدیمی قیداری	نام: عباس
عنوان رساله: بررسی تاریخ نگاری عصر قاجاریه از آغاز تا پایان دوره ناصری	
استاد راهنما: دکتر یحیی کلانتری	
استاد مشاور: دکتر علیرضا خزائلی	
مقطع تحصیلی: دکتری	رشته: تاریخ
گرایش: ایران دوره اسلامی	دانشگاه: تبریز
دانشکده: علوم انسانی و اجتماعی	تاریخ فارغ التحصیلی: ۸۶/۴/۳۰
تعداد صفحه: ۳۷۰+۱۱	
کلید واژه‌ها: تاریخ نگاری، وقایع نگاری، تاریخ نگری، تداوم، تحول، قاجاریه، تاریخ نویسان	
چکیده:	
<p>تاریخ نویسی به عنوان یک معرفت و علم در طول تاریخ ایران دوره اسلامی تا عصر قاجار صرف نظر از پاره‌ای فرازهای برجسته، روندی یکنواخت و یکسان را طی کرده است. در این دوره طولانی تقریباً هزار ساله، تاریخ نویسی هرگز از گزارشهای پادشاه محور به شیوه‌ی سال شمار و نثر متکلف و مصنوع فراتر نرفت. با روی کار آمدن حکومت قاجارها، تاریخ نویسی به عنوان یک معرفت و دانش انسانی از تأثیر تحولات سیاسی، اجتماعی و فکری غرب که جامعه ایران عصر قاجار با آن مواجه شده بود، برکنار نماند. تاریخ نویسی یک پدیده انتزاعی و مجرد نیست و اتفاقاً از معارف و دانش‌هایی است که می‌بایست آن را در پیوند با ساختار حکومت و سیاست و نیز تغییرات و تحولات اجتماعی و سیاسی مورد بررسی و مطالعه قرار داد. تاریخ نویسی دوره قاجار را با توجه به تحول تدریجی در ماهیت و موضوع تاریخ و نثر و زبان نگارش رویدادها می‌توان به سه دوره تقسیم نمود. دوره اول از آغاز سلطنت قاجارها تا میانه سلطنت ناصرالدین شاه را با وجود طرح پاره‌ای دیدگاههای جدید تاریخ نویسی از سوی برخی مورخین و عمدتاً تحت تأثیر دستگاه نوگرایی تبریز در دوران عباس میرزا، می‌توان دوره تداوم تاریخ نویسی سنتی و یا همان وقایع نگاری دانست. دوره دوم که میانه سلطنت ناصرالدین شاه تا حدود اواخر سلطنت او را در بر می‌گیرد دوره کشمکش تاریخ نویسی سنتی و تاریخ نویسی جدید یا ستیز تداوم و تحول در تاریخ نویسی می‌توان به شمار آورد. در این دوره با وجود موانع معرفتی، سیاسی و اجتماعی پاره‌ای اندیشه‌های جدید در تاریخ نویسی از نظر محتوا و زبان گزارش رویدادهای تاریخی در</p>	

ادامه چکیده:

نزد برخی مورخان دیده شد. در این دوره به تدریج عنصر تحلیل و تعلیل، نقد و ارزیابی گزارشهای تاریخی و نیز تأثیرپذیری از تحقیقات جدید اروپائیان و اندیشه‌های جدید در عرصه تاریخ نویسی نمودار گردید و به این ترتیب شکاف بزرگی در تاریخ نویسی سنتی ایجاد شد. به دنبال این دگرگونی تدریجی، در سالهای آخر سلطنت ناصرالدین شاه، تاریخ نویسی عصر قاجار به دوره سوم خود وارد گردید. این دوره که تاریخ نویسی در آن یکسره از سنت پیشین و شاخصه‌های آن روی برتافت، نقطه عزیمت تاریخ نویسی نوین ایرانی به شمار می‌رود. این دوره با نگارش «آئینه سکندری» توسط میرزا آقا خان کرمانی آغاز گردید و تاریخ نویسی وارد دوران جدید و تحول یافته خود شد و از نظر زبان، محتوا، اندیشه و تفکر تاریخی دگرگون گشت. روند تاریخ نویسی قاجار از تداوم به تحول به صورت تدریجی با وجود موانع و دشواریهای فراوان سیاسی و اجتماعی، عمدتاً تحت تاثیر آشنایی اندیشه گران و مورخان ایرانی با تحولات فکری غرب و تأسیس نهادها و موسسات جدید در ایران و پاره‌ای عوامل دیگر صورت گرفت و دچار دگرگونی اساسی گردید.

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱
فصل اول- کلیات	
۱- تعریف و تحدید موضوع.....	۹
۲- بیان مسأله (طرح سئوالات اساسی).....	۱۰
۳- بیان اهداف تحقیق.....	۱۰
۴- پیشینه تحقیق و پایه‌های نظری.....	۱۱
۵- روش‌شناسی تحقیق.....	۱۲
۶- بررسی و نقد منابع.....	۱۳
فصل دوم- واقعه نویسی، وقایع‌نگاری و تاریخ‌نویسی.....	۱۷
فصل سوم- نخستین آشنایی ایرانیان با تاریخ و تاریخ‌نگاری اروپا.....	۴۴
فصل چهارم- دوره آغازین قاجار، سلطنت فتحعلی‌شاه، تداوم تاریخ‌نویسی سنتی	
اشاره کلی.....	۶۸
۱- محمد ساروی	
- زندگی.....	۷۲
- تاریخ محمدی یا احسن‌التواریخ.....	۷۲
- شیوه تاریخ‌نویسی ساروی.....	۷۳
۲- میرزاضی تبریزی	
- زندگی.....	۷۷
- زینه‌التواریخ.....	۷۸

۳- میرزا محمد صادق مروزی وقایع نگار

زندگی ۷۹

تاریخ جهان آرا ۸۰

تاریخ جنگهای ایران و روس (آهنگ سروش) ۸۱

شیوه تاریخ نویسی مروزی ۸۱

۴- میرزا محمد تقی نوری

زندگی ۸۶

اشرف التواریخ ۸۷

شیوه تاریخ نویسی نوری ۸۸

۵- عبدالرزاق بیگ دنبلی

زندگی ۸۹

تجربه الاحرار و تسلیه الابرار ۹۳

نگارستان دارا ۹۴

عبرت نامه ۹۴

مآثر سلطانیه ۹۵

شیوه تاریخ نویسی دنبلی ۹۶

۶- محمود میرزا قاجار

زندگی ۱۰۴

تذکره سلاطین ۱۰۵

تاریخ صاحبقرانی ۱۰۶

شیوه تاریخ نویسی محمود میرزا قاجار ۱۰۷

۷- میرزا فضل الله خاوری شیرازی

- ۱۱۱..... زندگی
- ۱۱۲..... تاریخ ذوالقرنین
- ۱۱۳..... دیدگاهها و شیوه تاریخ نویسی خاوری
- ۱۲۴..... اندیشه سیاسی خاوری

۸- محمد هاشم آصف (رستم الحکما)

- ۱۲۶..... زندگی
- ۱۲۷..... رستم التواریخ
- ۱۲۹..... دیدگاهها و شیوه تاریخ نویسی رستم الحکما
- ۱۴۱..... ۹- ابوالحسن قزوینی و فواید الصفویه

فصل پنجم: دوره محمدشاه قاجار: تداوم تاریخ نویسی سستی

- ۱۴۷..... اشاره کلی

۱- علی قلی میرزا اعتضادالسلطنه

- ۱۴۹..... زندگی
- ۱۵۲..... اکسیرالتواریخ
- ۱۵۲..... تاریخ وقایع و سوانح افغانستان
- ۱۵۳..... شیوه تاریخ نویسی اعتضادالسلطنه
- ۱۶۰..... ۲- میرزا عبدالوهاب قطره و شمس التواریخ

فصل ششم- دوره ناصری، تداوم و تحول تاریخ نویسی

- ۱۶۳..... اشاره کلی

۱- جهانگیر میرزا

- ۱۶۶..... زندگی -
- ۱۶۸..... تاریخ نو -
- ۱۶۹..... شیوه تاریخ نویسی جهانگیر میرزا -
- ۲- میرزا محمدتقی خان سپهر
- ۱۷۴..... زندگی -
- ۱۷۶..... ناسخ التواریخ -
- ۱۷۷..... شیوه تاریخ نویسی سپهر -
- ۱۸۷..... سپهر در آینه نقد دیگران -
- ۳- رضاقلی خان هدایت
- ۱۸۹..... زندگی -
- ۱۹۱..... فهرس التواریخ -
- ۱۹۱..... تاریخ روضه الصفاى ناصرى -
- ۱۹۲..... دیدگاهها و شیوه تاریخ نویسی هدایت -
- ۲۰۷..... اندیشه سیاسی رضا قلی خان هدایت -
- ۲۱۰..... نظریه ارگانیک دولت و هدایت -
- ۲۱۲..... ۴- میرزا ابراهیم بدایع نگار و تاریخ قاجاریه
- ۵- میرزا محمدجعفر خورموجی حقایق نگار
- ۲۱۵..... زندگی -
- ۲۱۷..... حقایق الاخبار -
- ۲۱۷..... نزهه الاخبار -
- ۲۱۸..... دیدگاهها و شیوه تاریخ نویسی خورموجی -

۶- جلال‌الدین میرزا قاجار

- زندگی ۲۳۰
- نامه خسروان ۲۳۳
- شیوه تاریخ‌نویسی جلال‌الدین میرزا ۲۳۴
- جلال‌الدین میرزا و سره‌نویسی ۲۴۲
- اندیشه‌های جلال‌الدین میرزا ۲۴۴

۷- نادر میرزا

- زندگی ۲۴۷
- تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز ۲۴۷
- شیوه تاریخ‌نویسی نادر میرزا ۲۴۹
- ۸- امام‌قلی میرزا و تاریخ قاجاریه ۲۵۷
- ۹- سلطان احمد میرزا عضدالدوله و تاریخ عضدی ۲۵۹

۱۰- میرزا احسن حسینی فسایی

- زندگی ۲۶۳
- فارسنامه ناصری ۲۶۴
- شیوه تاریخ‌نویسی فسایی ۲۶۶

۱۱- محمد حسن خان اعتمادالسلطنه

- زندگی ۲۶۹
- آثار تاریخ‌نویسی محمد حسن خان اعتمادالسلطنه ۲۷۴
- تاریخ ایران ۲۷۵
- مرات‌البلدان ۲۷۶

- ۲۷۷..... تاریخ منتظم ناصری
- ۲۸۰..... المائر و الآثار
- ۲۸۲..... مطلع الشمس
- ۲۸۳..... دررالتیجان فی تاریخ بنی الاشکان
- ۲۸۴..... صدرالتواریخ
- ۲۸۴..... التدوین فی احوال جبال شروین
- ۲۸۵..... روزنامه خاطرات
- ۲۸۷..... خلسه
- ۲۸۹..... آثار اعتمادالسلطنه یا آثار دیگران!
- ۲۹۸..... دیدگاهها و شیوه تاریخ نویسی اعتمادالسلطنه
- ۱۲- میرزا آقاخان کرمانی
- ۳۱۱..... زندگی
- ۳۱۴..... آثار میرزا آقاخان کرمانی
- ۳۱۵..... سه مکتوب
- ۳۱۵..... صد خطابه
- ۳۱۵..... تاریخ شانزمان ایران
- ۳۱۶..... تاریخ قاجاریه و سبب ترقی و تنزل دولت و ملت ایران
- ۳۱۶..... آئینه سکندری یا تاریخ ایران باستان
- ۳۱۷..... دیدگاهها و شیوه تاریخ نویسی میرزا آقاخان کرمانی
- ۳۳۲..... فصل هفتم - نقد تاریخی در ایران
- ۳۴۲..... نتیجه

فهرست منابع و مآخذ..... ۳۴۶

نمایه..... ۳۵۹

چکیده انگلیسی

پیشگفتار

بدون تردید یکی از ادوار مهم تاریخ‌نگاری در ایران تاریخ‌نگاری دوره قاجاریه است. فراز و نشیبی که تاریخ‌نگاری دوره قاجار آن را تجربه کرد با تمام دوره هزار ساله تاریخ‌نگاری قبل از قاجار قابل مقایسه نیست. دوره قاجاریه از جهت مواجهه ایران با دنیای جدید غرب و ورود تدریجی دستاوردهای تمدن غربی به ایران نقطه عطفی در تاریخ ایران به شمار می‌آید. مواجهه ایران با دنیای جدید غرب در علوم و دانش‌های سنتی نیز تأثیر به‌سزایی نهاد، به همین اعتبار تاریخ‌نویسی دوره قاجار می‌بایست در پیوند با تحولات جامعه ایران در آن دوره مطالعه و تبیین گردد. تاریخ‌نویسی به عنوان نوعی معرفت، علم و دانش انسانی، پدیده انتزاعی و مجرد محسوب نمی‌گردد و اتفاقاً از دانش‌هایی است که کاملاً با تغییرات و تحولات فکری و سیاسی جامعه و ساختار حکومت در پیوندی نزدیک است. تاریخ‌نگاری دوره قاجاریه موضوعی است که جز ملاحظات کلی اندک از سنوی پاره‌ای از محققان به آن التفات و توجه نشده است. محققانی که به بررسی ورود و نتایج تجدد و مدرنیته در ایران عصر قاجار پرداخته‌اند از شناخت و بازنمایی تغییر و تحولی که در حوزه تاریخ‌نویسی ولو به شکل کند و تدریجی اتفاق افتاد غفلت کرده‌اند. در بین پژوهش‌های تاریخی نیز مقوله مطالعات مربوط به تاریخ‌نویسی مقوله‌ای مهجور و فراموش شده به شمار می‌آید و به هر دلیل اقبالی از سوی محققان به این گونه مطالعات دیده نشده و نمی‌شود.

موضوع این رساله بررسی تاریخ‌نگاری در دوره قاجاریه از آغاز تا پایان دوره ناصری است. سعی بر این نبوده که تاریخ‌نگاری قاجار را بر مبنای تقسیم‌بندی سنتی که تاریخ‌نویسی را در سه دسته عمومی، سلسله‌ای و محلی مورد مطالعه قرار می‌دهد بررسی کنیم، بلکه تلاش بر این است که سیر تاریخ‌نگاری قاجار را در پیوند با تحولات جدید و فکری دوره قاجار مورد مطالعه قرار دهیم. از دیدگاه ما تاریخ‌نویسی عصر قاجار بایستی در مجموعه روند آشنایی ایرانیان با غرب از جنگ‌های ایران و روس تا استقرار نهادهای جدید تمدنی در دوره ناصری مورد بررسی قرار گیرد. چهارچوب نظری

بحث این است که تاریخ‌نویسی تحت تأثیر ترجمه‌های تاریخی، آموزش‌های جدید، مدارس جدید، دارالفنون، گسترش نهضت ترجمه و ورود اندیشه‌های جدید سیاسی و اجتماعی به ایران با وجود موانع معرفتی، سیاسی و اجتماعی به مرز و آستانه تحول رسید. دوره قاجار را بر همان مبنای سه دوره تقسیم کرده‌ایم: دوره اول را دوره تداوم تاریخ‌نویسی سنتی یا همان وقایع‌نگاری نامیده‌ایم که از آغاز پادشاهی قاجارها شروع و تا حدود میانه پادشاهی ناصرالدین شاه را شامل می‌گردد. این دوره دوره تداوم نامگذاری شده است به این سبب که تاریخ‌نویسی‌های این دوره در ادامه وقایع‌نگاریهای قرن یازدهم و دوازدهم قمری و حتی برخی از آنها از تاریخ‌نویسی‌های گذشته نیز در مرتبه فروتری قرار می‌گیرند. در دوره تداوم البته پاره‌ای دیدگاه‌های جدید در عرصه تاریخ‌نویسی و اندیشه تاریخی مورخانی چون دنبلی، خاوری و رستم‌الحکما به ظهور رسید، اما موانع معرفتی و سیاسی نیرومندتر از آن بود که جریان جدیدی در تاریخ‌نویسی ایجاد گردد. دوره دوم تاریخ‌نویسی قاجار از حدود میانه سلطنت ناصرالدین شاه تا پایان دهه اول قرن ۱۴ق را دربرمی‌گیرد. این دوره را دوره کشمکش تاریخ‌نویسی سنتی و تاریخ‌نویسی جدید نامیده‌ایم. در این دوره مورخانی با اندیشه‌های متفاوت از تاریخ‌نگاران سنتی ظهور کردند و آثاری با پاره‌ای دیدگاه‌های نو در عرصه تاریخ‌نویسی پدید آوردند و به تدریج با اتخاذ شیوه‌های جدید در تاریخ‌نویسی و آشنایی با تحقیقات جدید و توجه به مسائل و اندیشه‌های نو، و نیز روی آوردن به نقد تاریخ‌نویسی گذشته شکافی بزرگی در تاریخ‌نویسی سنتی ایجاد کردند و تاریخ‌نویسی را از حیث فن و شیوه تاریخ‌نویسی و نیز از جهت زبان و نثر نگارش به آستانه تحول رساندند. این دوره زمینه تاریخ‌نگاری نوین ایران را پدید آورد. دوره سوم که واپسین سالهای حکومت ناصرالدین شاه را شامل می‌شود نقطه عزیمت تاریخ‌نگاری نوین ایرانی است و با نگارش آیین سکندری از سوی میرزا آقاخان کرمانی تاریخ‌نگاری ایران که از تداوم به آستانه تحول رسیده بود، به دوره تحول خود وارد گردید. در متن این تقسیم‌بندی برای دوره ناصری نیز تقسیم‌بندی خاصی انجام داده‌ایم که در فصل مربوط به آن آورده‌ایم.

در نگارش این رساله تمام آثار چاپی قدیم و جدید تاریخ‌نویسی قاجار و تعدادی نسخه خطی از آثار تاریخ‌نویسی قاجار به عنوان متون و منابع اصلی بررسی شده‌اند. به جز پاره‌ای موارد اندک، آنچه که تحت عنوان دیدگاهها و شیوه تاریخ‌نویسی مورخان آورده‌ایم دریافت و استخراج مستقیمی از خود این منابع و متون دست اول است. شیوه بررسی ما در این رساله، نقد تاریخی یا انتقاد تاریخی به مفهوم مصطلح آن نیست، اما در کنار بررسی توصیفی و شناختی، نوعی بررسی انتقادی آثار نیز به شمار می‌آید، چه بررسی انتقادی جز امعان نظر در یک اثر یا متن و اظهار نظر درباره آن نیست. تلاش بر این نبوده که صرفاً ایرادات آثار از دیدگاه تاریخ‌نویسی برجسته گردند، بلکه تلاش شده است تا معایب، نقایص، ویژگی‌ها و فزاینده‌های برجسته آثار تاریخ‌نویسی نمایانده شوند و در سیر تداوم و تحول تاریخ‌نویسی جایگاه آنان تبیین و مشخص گردد.

در این بررسی به زندگی مورخین توجه ویژه‌ای شده است. استدلال ما در توجه به زندگی تاریخ‌نویسان این است که محیط تربیتی، آموزشهای دینی و علمی، وابستگی طبقاتی و موقعیت خانوادگی و نیز موقعیت شغلی تاریخ‌نویسان نقش انکارناپذیری در تاریخ‌نگری و چگونگی گزارش و تبیین رویدادهای تاریخی توسط آنان، داشته است. در این بررسی و مطالعه، دیدگاههای تاریخ‌نویسان درباره تاریخ، اهمیت و فواید آن و فن تاریخ‌نویسی از خلال گزارشها و محتوای کتاب استخراج و مورد تحلیل قرار گرفته است. اندیشه‌سیاسی و اجتماعی تاریخ‌نویسان را نیز که از حیث جهت‌گیری سیاسی و دینی تاریخ‌نویسان مهم است شناسانده‌ایم. تأثیر تاریخ‌نویسان هر دوره را در جریان تداوم تاریخ‌نویسی سنتی یا سیر تحول آن به تاریخ‌نویسی جدید براساس معیارهای مشخص شده بازگو کرده‌ایم. موانع و دشواریهای تاریخ‌نویسی در ایران را نیز از خلال گزارشهای پاره‌ای مورخین به دست داده‌ایم موضوع این رساله به تحقیق و به قرار اطلاع موضوعی است که کار پایه‌ای و اساسی درباره آن صورت نگرفته است و این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که علاوه بر مطالعه سیر جریان تاریخ‌نویسی قاجار و فراز و نشیب آن، موقعیت و جایگاه تاریخ‌نویسی به عنوان یک معرفت و

دانش انسانی را نیز در ایران عصر قاجار مدنظر داشته است. بدون تردید این پژوهش نواقص و معایبی دارد، اما از آن جهت که الگوی خاصی پیش روی ما نبوده، قطعاً مطالعات سایر علاقمندان این حوزه در آینده معایب آن را برطرف و بررسی کاملی از آن به دست خواهد داد.

این رساله مبتنی بر هفت فصل است. فصل اول تحت عنوان کلیات تعریف و تحدید موضوع از حیث زمانی، موضوعی، سئوالات اساسی و اهمیت موضوع و نیز پیشینه تحقیقاتی که در این خصوص انجام شده، به همراه متدلوژی تحقیق و بررسی و نقد منابع را دربرمی گیرد. در پیشینه تحقیقاتی به ضعف تحقیقات در خصوص موضوع تاریخ‌نویسی اشاره کرده و در بحث از منابع نیز بررسی انتقادی از منابع موجود اعم از کتابها و مقالاتی که در زمینه مطالعات تاریخ‌نگاری به نگارش درآمده‌اند، انجام داده‌ایم.

فصل دوم به پیدایش منصب دولتی واقعه‌نویسی و رابطه آن با وقایع‌نگاری و تاریخ‌نویسی اختصاص دارد، علاوه بر آن ویژگی‌های وقایع‌نگاری و تاریخ‌نویسی سنتی را در این فصل برشمرده و عوامل تحول تاریخ‌نویسی و نیز ویژگی‌های تاریخ‌نویسی جدید ایران را نیز ذکر کرده‌ایم.

در فصل سوم این رساله نخستین آشنایی ایرانیان با تاریخ و تاریخ‌نگاری اروپا بویژه از مجاری ترجمه و نیز سفرنامه‌های ایرانیان در دوره آغازین قاجار مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. این فصل از آن جهت اهمیت دارد که ترجمه و آشنایی ایرانیان با تاریخ و تاریخ‌نویسی جدید اروپا به تدریج تأثیر خود را در تاریخ‌نویسی ایرانی برجای گذارد.

فصل چهارم به بررسی آثار تاریخ‌نویسی و دیدگاهها و شیوه‌های تاریخ‌نویسی مورخان دوره آقامحمدخان و فتحعلی‌شاه قاجار که از دیدگاه این پژوهش تداوم تاریخ‌نویسی سنتی است، پرداخته است. در این فصل به اندک نوآوریها و ظهور محدود دیدگاههای جدید تاریخ‌نویسی تأکید شده است. در این فصل به یکی از مورخان ایرانی مقیم هند همروزگار آغاز قاجار، ابوالحسن قزوینی نیز

به جهت اینکه عمده مطالب فواید الصفویه او درباره تاریخ ایران و نیز ذربرگیرنده موارد مهمی از نقد تاریخی و پاره‌ای دیدگاه‌های نو در تاریخ‌نویسی است، پرداخته‌ایم.

فصل پنجم که فصل کوتاهی در این رساله است به بررسی آثار معدود تاریخ‌نویسی دوره محمدشاه قاجار اختصاص دارد که از حیث تاریخ‌نویسی چندان دوره مهمی تلقی نمی‌شود.

فصل ششم مفصل‌ترین فصل رساله و در واقع یکی از مهمترین فصلهای آن است. این فصل به بررسی تاریخ‌نویسی در دوره ناصری اختصاص دارد. دوره ناصری از حیث تاریخ‌نویسی در تمام ادوار تاریخ‌نویسی ایران بی‌نظیر و یکتاست. دوره‌ای تعیین‌کننده در تاریخ‌نویسی ایرانی و دوره ظهور اندیشه‌های جدید در تاریخ‌نویسی در کنار اندیشه‌های سنتی به شمار می‌رود. در مطالعه سیر جریان تاریخ‌نویسی دوره ناصری ضمن بررسی آثار تک‌تک مورخان و بازنمایی اندیشه‌ها و دیدگاه‌های تاریخی و تاریخ‌نویسی آنان، روند تداوم و تحول تاریخ‌نویسی را نیز به دست داده‌ایم.

فصل هفتم که آخرین فصل این رساله است، نقد تاریخی در ایران را مورد توجه قرار داده است. این فصل نیز برای فهم جریان تحول تاریخ‌نویسی اهمیت فراوانی دارد. ریشه‌های تاریخی نقد و نیز ظهور اولین نقد علمی و اصولی و نتایج آن و نیز وجود نوعی انتقاد تاریخی در میان آثار تاریخ‌نویسی عصر قاجار به ویژه در اواخر آن دوره در این فصل به بررسی گذاشته شده است.

نکته‌ای که یادآوری آن ضروریست این است که این رساله به بررسی آثاری که تحت عنوان تاریخ‌نویسی شناخته می‌شوند پرداخته است، بدیهی است کتبی از قبیل سفرنامه‌ها، تذکره‌ها، تراجم احوال و بویژه رساله‌های انتقادی، سیاسی و اجتماعی اواخر قاجار که ذربرگیرنده پاره‌ای دیدگاه‌های تاریخی و نیز در مواردی گزارشهای تاریخی هستند از شمول موضوع این رساله خارج هستند. نکته دیگر این که دوره قاجار از جهت خلق آثار تاریخ‌نویسی بسیار پربار است. تواریخ زیادی در این دوره نوشته شده‌اند که برخی از آنها به صورت نسخه خطی در برخی کتابخانه‌ها نگهداری می‌شوند، که ما نتوانستیم به همه نسخه‌های خطی دسترسی داشته باشیم و فقط چند نمونه را که توانستیم دست یابیم

در این رساله مورد بررسی قرار داده‌ایم. ذکر این نکته نیز خالی از فایده نیست که در این رساله آثار تاریخ‌نویسی مهم که در روند تداوم و یا تحول تاریخ‌نویسی قاجار نقش داشتند همگی حضور دارند.

فصل اول

کلیات